

General Welfare and Strategies of Islamic Law in its Realization

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Nariman Sobhaninia¹

Meysam Khazaei^{2*}

Alireza Salimi³

How to cite this article

Nariman Sobhaninia, Meysam Khazaei, Alireza Salimi, General Welfare and Strategies of Islamic Law in its Realization, Islamic Life Style. 2023; 7 (2) :209-217.

1. PhD student of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic law, Department of Jurisprudence and Law, Mahalat Branch, Islamic Azad University, Mahalat, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Islamic Jurisprudence and Law Department, Mahalat Branch, Islamic Azad University, Mahalat, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: meysam.khazaei@abru.ac.ir

Article History

Received: 2023/03/31

Accepted: 2023/06/22

ABSTRACT

Purpose: "General welfare", which means continuous benefit and in moderation of people from divine blessings in a legitimate and reasonable way, has always been considered by human and divine schools and the decision-making of the rulers of societies. Islamic shari'a, as a divine school, has also considered public welfare in the form of concepts such as justice, helping the needy, the deprived and the needy. With a deeper look at the purposes of Shar'a al-Hakim, it is clear that in the case of religious rulings, a great deal of attention has been paid to the general welfare.

Materials and Methods: Accordingly, the present study, through descriptive-analytical method, seeks to examine the general welfare in Islamic shari'a at the beginning and finally, through social jurisprudence and in order to achieve general welfare, analyze religious rulings.

Conclusion: Based on the studies conducted, Shar'a Hakim has tried to reduce the class gap, poverty alleviation, mental and psychological peace in Islamic society and finally the realization of general welfare by disseminating rulings such as zakat, khums, charity, loans, endowments and alimony.

Keywords: General Welfare, Sharia Purposes, Justice, Poverty Alleviation

رفاه عمومی و کاربست های شرع اسلام در تحقق آن

مقدمه

موضوع رفاه عمومی در مکاتب بشری و الهی و تصمیم گیری حاکمان جوامع، مسأله‌ای اساسی و نقش پرداز بوده و هست. به گونه‌ای که در سیاست گذاری‌ها، تدوین و تصویب قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه فراوان بوده است. اهمیت آن نیز بر هیچ کس پوشیده نیست؛ زیرا فقر و بی‌عدالتی در جامعه، زندگی را بغرنج ساخته و ارکان حکومت‌ها را دچار تزلزل می‌کند. شرع اسلام نیز به عنوان مکتبی الهی، رفاه عمومی را مورد توجه قرار داده و در قالب مفاهیمی چون عدل، یاری رساندن به نیازمندان، محرومین و مستمندان در تحقق آن گام برداشته است.

با نگاهی دقیق‌تر به مقاصد شارع حکیم در شرع اسلام، مشخص می‌گردد شرع اسلام، نه تنها نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نبوده است بلکه در وضع احکام شرعی توجه فراوانی به این موضوع داشته و خواهان بی‌تفاوتی افراد مکلف نسبت به آن نبوده است. بر این اساس با تشریح احکامی همچون زکات، خمس، صدقه، قرض، وقف و نذر تلاش نموده است رفاه عمومی در جامعه محقق گردد. احکام مذکور ضمن مشخص نمودن تکلیف فردی و اجتماعی مکلفین، نشان از داشتن رویکردی اجتماعی شرع اسلام است که تلاش دارد جامعه‌ای عاری از فقر و بی‌عدالتی به وجود آورد.

توجه به این مفهوم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز بیشتر مورد توجه و در کلام مسؤولان نظام بارها مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه امام خمینی (ره) می‌فرماید: «رفاه مستضعفین یکی از مقاصد اسلام است» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۳۱). و یا مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. فرق عمده‌ی ما با نظام‌های سرمایه‌داری همین است» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۷۲/۵/۱۲).

بر اساس این رویکرد است که قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، در مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۹ به تأیید شورای نگهبان می‌رسد.

مع الاسف با وجود احکام فراوان و متعالی در حوزه‌های مختلف، به دلیل نگاه فردی به فقه، کمتر مقاصد الشریعه و رویکردهای اجتماعی به مسائل فقهی مورد توجه قرار گرفته است و همین امر موجب بر زمین ماندن احکامی شده است که با کاربردی نمودن آنها، می‌توان گام‌های اساسی در تحقق "رفاه عمومی" و رفع فقر و بی‌عدالتی در جامعه برداشت. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد است در ابتدای امر رفاه عمومی را در شرع اسلام ملاحظه نمایند و در نهایت از دریچه فقه اجتماعی و در راستای تحقق رفاه عمومی، احکامی را به نظاره بنشینند که نگاه فردی به آنها، آنها را مورد بی‌مهری قرار داده است.

با گذری به پیشینه تحقیق، آن گونه که بایسته و شایسته است رفاه عمومی به عنوان یکی از مقاصد شرع اسلام مورد بررسی قرار نگرفته است؛ علاوه بر این احکام عبادی مالی و یا عقود مالی که جنبه عبادی دارند از دریچه فردی به آنها نگریسته شده و اهداف اجتماعی شارع در تشریح آنها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس در زمینه مورد بحث تاکنون پژوهشی جامع و در خور

نریمان سبحانی نیا^۱
دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و حقوق، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

میثم خزائی*^۲
دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول).

علیرضا سلیمی^۳
استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

چکیده

هدف: «رفاه عمومی» که به معنای بهره مندی پیوسته و در حد اعتدال مردم از نعمت های الهی به صورت مشروع و معقول است، همواره مورد توجه مکاتب بشری و الهی و تصمیم گیری حاکمان جوامع، بوده و هست. شرع اسلام نیز به عنوان مکتبی الهی، رفاه عمومی را در قالب مفاهیمی همچون عدل، یاری رساندن به نیازمندان، محرومین و مستمندان، مورد توجه قرار داده است. با نگاهی عمیق تر به مقاصد شارع حکیم، مشخص می‌گردد، در وضع احکام شرعی توجه فراوانی به رفاه عمومی شده است.

مواد و روش‌ها: بر این اساس پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، درصدد است در ابتدای امر رفاه عمومی را در شرع اسلام بررسی و در نهایت از دریچه فقه اجتماعی و در راستای تحقق رفاه عمومی، احکام شرع را مورد واکاوی قرار دهد.

نتیجه گیری: بر اساس بررسی های انجام شده، شارع حکیم بر مبنای سیاست گذاری فضیلت گرایانه و فقه الاولویه با تشریح احکامی همچون زکات، خمس، صدقه، قرض، وقف و نفقه در راستای کاهش فاصله طبقاتی، فقر زدایی، ایجاد آرامش روحی و روانی در جامعه اسلامی و در نهایت تحقق رفاه عمومی تلاش نموده است.

کلمات کلیدی: رفاه عمومی، مقاصد الشریعه، عدالت، فقر زدایی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

*نویسنده مسئول: meisam.khazaei@abru.ac.ir

با ذکر این مقدمه کوتاه، رفاه عمومی را نیز باید از مقاصد شرع اسلام دانست. به این خاطر فقیه و رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) می فرماید: «رفاه مستضعفین یکی از مقاصد اسلام است» (۶). بنابراین در استنباط احکام شرع، باید مسأله رفاه عمومی را مورد توجه داشت تا از استنباط احکام برخلاف آن، خودداری شود.

شناخت دیدگاه اسلام نسبت به رفاه عمومی، نیازمند شناخت بینش سیاست‌گذاری‌های اسلام در این خصوص است. از جمله این سیاست‌گذاری‌ها، سیاست‌گذاری فضیلت‌گرایانه و قه‌الاولویه است:

سیاست‌گذاری فضیلت‌گرایانه

برخلاف سیاست‌گذاری فایده‌گرایی، براساس سیاست‌گذاری فضیلت‌گرایانه، رفاه عمومی به عنوان یکی از فضیلت‌ها شناخته می‌شود. بر این اساس، جمیع افراد، متصدی رفیع‌بی‌عدالتی و فقر در جامعه هستند. لذا التفات کردن به رفاه عمومی در شرع اسلام را می‌توان در قالب رجحان مفاهیمی همچون عدل، یاری رساندن به نیازمندان، محرومین، تأمین امنیت و آزادی نظاره کرد. بر مبنای سیاست‌گذاری فضیلت‌گرایانه، انتقال بخشی از ثروت ثروتمندان را طبق ضوابطی مانند زکات، خمس، صدقه، نذر و وقف، دریافت، تا برای مصارف اجتماعی و رفع فقر و ایجاد «رفاه عمومی» هزینه گردد (۷). از این نوع نگرش می‌توان به نقش رفاه عمومی با محوریت سیاست‌گذاری فضیلت‌گرایانه در تشریح احکام خصوصاً احکام عبادی مالی از منظر مقاصد الشریعه یاد نمود.

سیاست‌گذاری قه‌الاولویه

از برجسته‌ترین سیاست‌گذاری‌ها در تبیین رفاه عمومی به عنوان یکی از مقاصد شارع اسلام، می‌توان به سیاست‌گذاری قه‌الاولویه اشاره نمود. در سیاق این سیاست‌گذاری، مداخل مشروعیّت مورد توجه قرار می‌گیرند. در این نگرش، رفاه عمومی با بهره‌گیری از قواعد و معیارهای اولویت در فقه اسلامی تبیین می‌شوند. که در منابع دینی می‌توان آن‌ها را ملاحظه نمود:

قرآن

توجیه شرع اسلام در تشریح بینش سیاست‌گذاری مبتنی بر رفاه عمومی در تشریح احکام با ملاحظه آیات عام قرآن، ضمن برشمردن مکانیسم عام با رویکرد عدالت محوری، ایضاً شیوه خاص اجرای رفاه با تحدید مصادیقی چون وقف و زکات مدعی است که در نظام اسلامی، با در اختیار داشتن ابزارهای تشریحی از جانب شرع می‌توان رفاه عمومی را محقق ساخت. دقت در آیات عام و خاص، سیاست-گذاری مبتنی بر رفاه عمومی در تشریح احکام را نمایان می‌نماید. از جمله آیات عام سیاست‌گذاری مبتنی بر رفاه عمومی عبارتند از:
الف: آیه ۲۹ سوره بقره: خداوند متعالی در این آیه می‌فرماید: «خداوند آنچه در روی زمین است را برای شما آفرید»^۱.

توجه در خصوص موضوع رفاه عمومی در شرع اسلام و نقش آن در تشریح احکام شرع، صورت نگرفته است. البته می‌توان به برخی پژوهش‌ها همانند رساله «بررسی سیاست‌ها و دیدگاه‌های رفاهی حکومت علی بن ابیطالب (ع)» و مقاله «ارائه و تبیین ارکان جهت ساز الگوی راهبردی رفاه عمومی بر اساس تحلیل محتوی آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره)» (۱)، اشاره نمود. لکن پژوهش‌ها و مقالات ارائه شده، اغلب در دو حوزه انجام پذیرفته‌اند. بخشی از آن‌ها بر تبیین مفهوم رفاه اجتماعی و بخشی دیگر بر استفاده از شاخص‌ها و توابع رفاه اجتماعی رایج و بعضاً غیر بومی برای ارزیابی رفاه عمومی و تمرکز بر خروجی‌ها و وضعیت نهایی شاخص‌ها در این زمینه تأکید دارند و مبنای عمده بررسی‌های صورت گرفته بر اساس چارچوب نظری اندیشمندان غربی با نگاه به تحقق مولفه‌های مورد تأکید دولت رفاه بوده است، لیکن در این پژوهش تلاش می‌گردد رفاه عمومی به عنوان یکی از مقاصد قه‌الاولویه مورد بررسی و در ادامه به برخی از کاربردهای مهم شرع اسلام در تحقق رفاه عمومی از دریچه قه‌الاولویه اجتماعی نگریسته شود.

مفهوم‌شناسی رفاه عمومی

«رفاه» از ریشه «رَفَه» در فرهنگ فارسی به معنای آسایش و تن آسانی آمده است (۲). و در لغت عربی، به آرامش معنا شده است (۳). همچنین، «رفاه» به معنای برخورداری از نعمت به صورت پیوسته است و این اطلاق به اعتبار استعمال مجازی است (۴).

در تعریف رفاه عمومی معنای اصطلاحی گفته شده است: «تحقق اهداف جمعی و برآوردن خواسته‌ها، نیازها و مطالباتی که از سوی اکثریت افراد جامعه مطرح می‌گردد» (۵). و در رویکرد اسلامی، رفاه عمومی به «تحقق خیر و خوشبختی (سعادت) دنیوی و اخروی که اسلام برای انسان و جامعه تعریف می‌کند»، تعریف شده است (۱).

بر اساس نگرش اسلامی، رفاه عمومی صرفاً ارتقا و وضعیت مادی، تلقی نشده و ضمن این که وجه و نمود عینی و ذهنی دارد، دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی است. در جامعه‌ای که رفاه عمومی در راستای ارتقای مادی و معنوی با رویکرد سعادت بخشی تأمین گردد؛ حداقل چهار هدف کارکردی از طریق تأمین رفاه جامعه شامل وجه ایجاد رضایت، تحقق عدالت، وجود امنیت و ارتقا سلامت نیز محقق می‌گردد (۱).

رفاه عمومی، مقصد شرع‌الاسلام

یکی از مسائلی که در فقه شیعه کمتر بدان توجه شده بود لکن در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است، «مقاصد الشریعه» است. هر چند در لابلای کلمات فقیهان امامیه مشخص می‌گردد که به مقاصد الشریعه توجه شده است. شناخت مقاصد کلان شرع بسان قطب‌نمایی است که مجتهد را در استنباط احکام از منابع، راهنمایی، و از افغان در استنباط‌هایی که با اهداف شارع هم‌خوانی ندارد، نجات می‌دهد.

^۱ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر) جلوگیری می‌کند (۱۲). فلسفه این حکم نیز بر این استوار است که فقرا هم سهمی باید در این اموالداشته باشند. نتیجه این امر، موجب از بین رفتن فاصله طبقاتی و تحقق رفاه عمومی می‌گردد.

سنت

دومین منبع در شناخت سیاست‌گذاری‌های شرع اسلام را باید سنت دانست. در روایات نیز تأکید فراوانی بر عدالت شده است. همین امر نیز زمینه ساز تحقق رفاه عمومی است. از باب نمونه می‌توان به روایات ذیل اشاره نمود:

الف: حدیث برپایی آسمان و زمین بر اساس عدالت: در این حدیث پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «آسمان‌ها و زمین بر اساس عدل استوار گردید» (۱۳).

این روایت تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش، بر عدل و توازن و بر اساس استحقاق‌ها و قابلیت‌ها است. عدل نیز، وضع شیء در موضعش و دادن حق هر صاحب حقی است. بر این اساس با استناد به حدیث نبوی، عدالت موجب بروز عرصه‌هایی از رفاه عمومی در جامعه می‌شود.

ب: حدیث مایه زندگی بودن عدالت: امام علی (ع): «عدل مایه زندگی است»

مطابق با فرمایش امام (ع)، عدل بن مایه و ریشه زندگی کردن است. در توضیح بیشتر باید گفت بر اساس تعریفی که از عدل می‌شود، زمانی که همه چیز در جای خود قرار می‌گیرد و حق هر ذی‌حقی به او داده می‌شود، جامعه، حیات پیدا می‌کند، شهرها و روستاها آباد می‌گردند، و در نتیجه آن رفاه و امنیت برای مردم محقق می‌گردد.

ج: حدیث بی‌نیازی مردم با عدالت: و در نهایت امام صادق (ع) در کلماتی گهربار می‌فرماید: «هرگاه عدالت در میان مردم اجرا شود، بی‌نیاز خواهند شد»^۴

آنچه در این مقال از بحث عدالت، بیشتر مورد توجه است، عدالت در ایجاد رفاه است. افزون بر این، امامان بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که اگر مسلمانان به اصل عدالت وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند، مشکل فقر و بی‌چارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند.

در نهایت بر اساس مطالب مطروحه و مطابق با مستندات عام، باید اذعان نمود که در صورت عمل به احکام شرع، خصوصاً احکام عبادی مالی و عقود مبتنی بر عبادت، عدالت حکم فرما می‌گردد، فقر و بی‌چارگی از جامعه رخت بر می‌بندند و در نهایت رفاه و امنیت برای جامعه محقق می‌گردد.

۴. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرَةَ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «ان الناس يستغنون، اذا عدل بينهم»

مطابق با سیاق آیه فوق، بهره‌گیری از مواهب زمین، برای همه است (۸). در نتیجه در بهره‌برداری از زمین و منابع طبیعی، رعایت عدل و انصاف ضروری است، که مدیریت جامعه نباید از آن غفلت کند؛ زیرا یکی از اهداف خداوند متعال از ارسال انبیاء برقراری عدالت و اقامه قسط توسط مردم بیان شده است: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید/۲۵). بر این اساس حکومت اسلامی در راستای مشارکت عمومی در بهره‌برداری از عادلانه از منابع طبیعی، باید در واگذاری‌ها تبعیضی را انجام ندهد تا همه مردم بهره و سهمی را که بالقوه در زمین یا اجتماع دارند به آنها برسد و آن را به فعلیت برسانند (۹). نتیجه این امر موجب تحقق رفاه عمومی می‌گردد.

ب: آیه ۷ سوره انفطار: خداوند متعال با اشاره به تعادل در خلقت بشر می‌فرماید: «خداوند تو را آفرید، راست گردانید و به عدل سامان داد»^۱.

هر چند آیه مذکور به تعادل در تکوین اشاره دارد، لکن از ویژگی‌های انسان این است که علاوه بر تعادل در تکوین، از لحاظ تشریح نیز عهده‌دار ایجاد عدالت است (۱۰). با لحاظ نمودن این امر، اگر انسان‌ها و مدیریت حاکم بر جوامع به اصل عدالت وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند، مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند.

ج: آیه ۷ سوره حشر: خداوند متعال در این آیه تکلیف اموال فیء را مشخص نموده و می‌فرماید: «آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است»، هدف از آن حکم را نیز چنین بیان می‌کند: «تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگرند»^۲.

یعنی حکمی که ما درباره مسئله فیء کردیم، تنها برای این بود این گونه درآمدها "دوله" میان اغنیاء نشود، و "دوله" چیزی را گویند که در بین مردم متداول است و دست به دست می‌گردد (۱۱). این آیه یک اصل اساسی را در اقتصاد اسلامی بازگو می‌کند و آن اینکه جهت‌گیری اقتصاد اسلامی چنین است که در عین احترام به مالکیت خصوصی "برنامه راطوری تنظیم کرده که اموال و ثروت -ها متمرکز در دست گروهی محدود نشود که پیوسته در میان آنها دست به دست بگردد. البته این به آن معنی نیست که ما پیش خود قوانین وضع کنیم و ثروت‌ها را از گروهی بگیریم و به گروه دیگری بدهیم، بلکه منظور این است که اگر مقررات اسلامی در زمینه تحصیل ثروت و همچنین مالیات‌هایی همچون خمس و زکات و خراج و غیر آن و احکام بیت المال و انفال درست پیاده شود خود به خود چنین نتیجه‌ای را خواهد داد که در عین احترام به تلاش‌های فردی مصالح جمع تامین خواهد شد، و از دو قطبی شدن جامعه

۱. «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ».

۲. «كَيْ لَا يَكُونَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ».

۳. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ أَبَاهُ ع حَدَّثَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ النَّبِيُّ بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ بِالْعَدُولِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»

رفاه مطلوب و میزان آن

چنانچه بیان گردید رفاه به معنای بهره‌مندیمداوم، متعارف و در حد اعتدال مردمازموهاونعمت‌ها بالهیهبصورت‌مشروعومعقول است. حد معقول از این برخورداری نیز زمانی است که از اسراف و تبذیر جلوگیری شده و همه امت مسلمان از آن بهره‌مند گردند (۱۴). علاوه بر این، تأکید روایاتبرحداستغنا مؤید این میزان از رفاه است. همچنین‌حدمتوسطومعتدل

زندگیافرادجامعه، باسیرصعودیرشد، افزایش می‌یابد و رفاهنسبیبیوسهتروبهترایدمی‌گذارد؛ امام‌علی(ع) در ارتباط با میزان رفاه می‌فرماید: «در دنیا بیش از کفاف نخواهید و از آن بیش از حد نیاز نطلبید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱). کفاف نیز به معنای آن چیزی از رزق و روزی است که برای انسان کافی باشد، و حاجات او را برطرف کند به گونه‌ای از مردم بی‌نیاز گردد.

در واری رفاه عمومی به عنوان آرمان‌دیرینه بشر، باید اذعان نمود در نظریه لذت‌گرایی ساده، خیر و خوبی و رفاه انسان صرفاً توسط غرایز و در لذت شخصی محدود می‌گردد؛ زیرا خیر همان چیزی است که برای انسان لذت بخش است و عقل نیز خدمت‌گزار غرایز است تا به راحت‌ترین وجه بیشترین لذت را برای فرد تأمین کند. در مقابل در نظریه‌های اسلامی، عقل کلی جایگاه ممتازی داشته و خیر و خوبی انسان را در کمال هر دو بعد جسمی و روحی بشر معرفی می‌کند. بر اساس این نظریه، رفاه دنیوی و اخروی انسان با هم پیوند می‌خورد، در نتیجه، رفاه انسان‌ها با یکدیگر مرتبط می‌شود (۱۵). رفاه بر اساس مبانی اسلامی، مبتنی بر تقرب به خداست. بنابراین، تفاوت جوهری انسان و ارزش‌های انسانی در دیدگاه اسلامی و نظریه‌های متعارف نشان می‌دهد که دیدگاه اسلامی درباره رفاه، کمال‌گرا و در گرو کمال حقیقی هر دو بعد جسمی و روحی انسان است (همان، ص ۸۳). مولفه اسلامی در کنار مطلوبیت رفاه عمومی متعارف را می‌توان در نگرش اسلامی با رویکرد مواضع بُعد اعتقادی با محوریت تقرب به خداوند متعالرا با کارایی معروف‌های اقتصادی فردی و حکومتی همچون وقف و خمس مشاهده نمود. بر این اساس، اقتصاددانان اسلامی با ورود بُعد اعتقادی خواستار ایجاد یک رفاه عمومی دو ساحتی با اولویت رفاه مادی و معنوی هستند. البته باید لذات مادی و معنوی را در طول یکدیگر دانست تا عرض یکدیگر.

کاربست‌های شرع اسلام در تحقق رفاه عمومی

با تأملی در ابواب فقهی، با احکامی مواجه می‌شویم که در راستای هدف شارع جهت تحقق رفاه عمومی تشریح شده‌اند. البته در منابع فقهی، معمولاً به این مسائل از دید فردی نگریسته شده است و همین امر موجب گردیده در برخی از عوارض مربوط به آن احکام،

مقصود شارع مغفول بماند. جهت رفع این نقیصه، نیاز است احکام شرعی با روی‌کرد فقه اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند. وجود سرمایه مذهبی از طریق سیاست‌گذاری فضیلت‌گرایانه (وجود فلسفه احکام در تحقق رفاه عمومی) و فقه اولوییه (تشریح احکام و تشریح آن در قرآن و روایات) موجب شده است روحیه نوع دوستی، حمایت و کمک به دیگران، همکاری و تعاون عمومی و نظیر این‌ها در افراد افزایش یابد. تحقق این امر موجب اهتمام مساعدت به دیگران و پشتیبانی مالی از افراد با عائدی کم و در نتیجه موجب کاهش فقر و بهبود رفاه عمومی و تکوین عدالت می‌شود. بر این اساس کاربردهای شرع اسلام در تحقق رفاه عمومی، گاهی در قالب احکام الزامی همانند خمس، زکات و نفقه جلوه می‌کند، گاهی در قالب احکام مستحب و ترجیحی همانند وقف، قرض الحسنه و صدقه نمایان می‌شوند. که در ادامه سعی می‌گردد احکام فوق با نگاه محرومیت زدایی و تحقق رفاه عمومی مورد بازنمایی قرار گیرند.

زکات

زکات در نظام اقتصادی اسلام از جمله راه‌کارهای اساسی از بین بردن فقر معرفی روایات مطروحه مؤید این مهم هستند. بر این اساس، با کاستن فقر، رفاه مطلوب برای همه طبقات جامعه محقق می‌گردد.

آیات و روایات فراوانی بر وجوب زکات وارد شده است. عموماً در قرآن کریم، زکات با عباراتی از قبیل «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» در کنار نماز مطرح گردیده است. این امر نشان از اهمیت زکات دارد به گونه‌ای که در روایات مقرون بودن زکات با نماز، این گونه تفسیر شده است که کسی که اقامه نماز نماید اما زکات نپردازد، گویی نماز را نیز بر پا نداشته است^۱. علت وجوب زکات به عنوان ایجاد رفاه عمومی در روایت امام رضا(ع) نمایان می‌گردد که: «علت (وجوب) زکات فراهم شدن روزی فقیران است، و محفوظ ماندن اموال ثروتمندان؛ چون که خداوند متعال، تندرستان را به سرپرستی زمین‌گیرشدگان و مبتلایان مکلف ساخته است ... و آنان را به مساوات و تقویت کردن فقرا، و مدد رساندن به آنان برانگیخته است، تا بتوانند به تکالیف دینی خود عمل کنند»^۲.

از این حدیث ارزشمند، مشخص می‌گردد روزی فقیران در اموال ثروتمندان است، بنابراین، ناداران در این اموال با دارایان شریکند. مصونیت اموال ثروتمندان متوقف بر آن است که حقوق ظاهری و باطنی موجود در این اموال پرداخته شود، تا مسکنت از عرصه اجتماع برافتد و دیگر فقیری نماند تا چشم طمع به اموال دیگران بدوزد.

زکات را می‌توان از دو منظر فقه فردی و فقه اجتماعی ملاحظه نمود. بر اساس این نوع نگرش به زکات، این مسأله مطرح می‌گردد که صاحب مال به شخصه می‌تواند زکات را به اهل آن برساند یا

^۱ «و لا تسالوا فيها فوالا کفأفوالا تطلبوا منها اکثر من البلاغ»

^۲ «و رَوَى مَعْرُوفُ بْنُ خَرَّبُودَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَرَنَ الزَّكَاةَ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ فَمَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ لَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ فَكَأَنَّهُ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ»

^۳ «الإمام الرضا(ع) - عن محمد بن سنان، أن أبا الحسن علي بن موسى الرضا(ع) كتب إليه فيما كتب، من جواب مسألة: إنَّ علة الزكاة من أجل قوت الفقراء، و تحصيل أموال الأغنياء. لأنَّ الله تعالى كلف أهل الصلحة القيام بشأن أهل الزمانه من البلوى و الحث لهم على المساواة، و تقوية الفقراء، و المعونة لهم على أمر الدين.»

گفته می شود باید یک قسمت از پنج قسمت درآمدها را که از راه های گوناگون به دست می آورد به مصارفی که در شرع معین شده برساند. خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره انفال می فرماید: «و بدانید هر گونه غنیمی به شما رسید خمس آن برای خدا و رسول و ذی القربی و ایتم و مساکین و واماندگان در راه می باشد»^۲.

در مورد خمس نیز همانند زکات این مسأله مطرح است که آیا خمس، از آن مقام امامت است و یا ملک شخصی امامو سادات است؟ در این خصوص دو دیدگاه مطرح گردیده است:

دیدگاه اول: سه بخش خمس ملک امام و بخش دیگر سهم سادات: این دیدگاه که به مشهور نسبت داده می شود، بیان می نماید که خمس به شش قسمت تقسیم می شود: سه بخش آن، حقو یا ملک امام معصوم است و سه سهم دیگر آن حق، یا ملک شخصی دسته های سه گانه سادات است (۱۷، ۱۸).

دیدگاه دوم: حق امامت و بودجه حکومت اسلامی: این دیدگاه اعتقاد بر این دارد تمامی خمس، بیش از یک بخش نیست و آن هم در اختیار حاکم اسلامی قرار می گیرد، تا در هر جا که مصلحت بوده مصرف کند.

امام خمینی، پس از جمع بندی دلیل ها می نویسد: «... هر کس در معنای آیه و روایات، دقت و اندیشه کند، در می یابد که همه سهم های خمس، از بیت المال است و حاکم، حق تصرف در آن را دارد و از نظر حاکم، که مصلحت مسلمانان را در نظر دارد، گریزی نیست. حاکم، باید از سهم سادات، زندگی سه گروه یاد شده را بر حسب تشخیص خود، برآورد.

حضرت امام، در این گفتار، بر این دو نکته، اشاره دارد که اولاً خمس حق حاکم و در اختیار حکومت اسلامی است؛ ثانیاً این حکم، درباره همه خمس جریان دارد، نه نیمی از آن که سهم امام باشد منتهی، حاکم، باید نیازهای گروه های سه گانه را برآورد.

صاحب جواهر نیز که به نظر می رسد به این قول تمایل دارد می نویسد: «اگر بیم تک روی و مخالفت با وحدت کلمه اصحاب نبود، ممکن بود که ادعا شود: از ظاهر روایات استفاده می شود: همه خمس از آن امام است. هر چند امام، باید زندگانی سه گروهی که به منزله عیال اویند، برآورد. از این روی، اگر زیاد بیاید از آن امام است و اگر کم بیاید باید امام کمبود را جبران کند. همچنین این که ائمه (ع) در پاره ای از موارد، همه خمس را حلال می کرده اند، روشن گر یک سهم بودن خمس است. شیخ انصاری نیز اظهار می دارد: دور نمی نماید با در دید داشتن این دسته از روایات، بگوییم که همه خمس از آن امام است، ولی امام باید نیاز، سادات را برآورد (۱۹).

طرفداران دیدگاه های مذکور جهت اثبات نظر خود هر کدام به دلایلی استناد می کنند^۳. لکن همانند بحث زکات اختلاف دیدگاه ها را می توان در قالب فقه فردی و فقه اجتماعی تحلیل نمود. طرفداران دیدگاه اول، در حقیقت خود را در قالب فقه فردی قرار داده اند لکن

^۲. «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِلذِّي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْبَيْنِ السَّبِيلِ ...»

^۳. جهت مشاهده ادله دیدگاه های مذکور به مقاله «خمس، حق الاماره» تألیف

محمدصادق مزینانی مراجعه کنید

اینکه زکات را باید به امام و حاکم جامعه اسلامی پرداخت نمود؛ در این رابطه دو دیدگاه مطرح است:

دیدگاه اول: جواز پرداخت زکات به وسیله مالک: مشهور فقهای امامیه معتقدند که در مصرف زکات رجوع به امام و حاکم اسلامی ضرورتی ندارد، خود مردم می توانند آن را به اهل زکات برسانند و در راه های تعیین شده، هزینه کنند. ولی، بهتر است که در زمان حضور، به امام و در دوره غیبت به فقیهان پرداخت شود تا از سوی آنان در جاهای لازم، هزینه گردد.

دیدگاه دوم: وجوب پرداخت آن به امام و حاکم اسلامی: در مقابل دیدگاه فوق، طرفداران این دیدگاه اعتقاد بر این دارند که بر مالک واجب است زکات را به امام و حاکم اسلامی پرداخت کند. در حقیقت این گروه زکات را بودجه ای حکومتی می دانند که باید در اختیار امام و حاکم اسلامی قرار گیرد، تا براساس مصلحت اسلام و مسلمانان آن را به مصرف برساند. امام خمینی (ره)، در این خصوص می نویسد: «همان گونه که امر زکات در هر زمان، برعهده حاکم اسلامی است وی، بنابر مصلحت، مال زکات را در راه تعیین شده، هزینه می کند» (۱۶). همچنین شیخ انصاری در کتاب زکات، در وجوب اطاعت از فقیه نسبت به مطالبه زکات، چنین می فرماید: «اگر فقیه زکات را مطالبه کند مقتضای ادله نیابت عامه ایشان از امام (ع)، وجوب پرداخت زکات به ایشان است، زیرا هر کس از این امر منع کند به امام رد نموده است و این در حکم رد بر خداوند متعال است - همچنان که در مقبوله عمر ابن حنظله آمده است و همچنین در فرمایش حضرت صاحب (عج) در توفیق شریف وارده در مورد وجوب رجوع به روات حدیث، فقه ارا حجت خویش بر مومنین معرفی می نمایند»

طرفداران هر یک از دیدگاه های مذکور جهت اثبات نظر خود به دلایلی استناد نموده اند^۱. فارغ از ادله ارائه شده و نقد و بررسی آن ها، اختلاف دیدگاه ها را می توان به دلیل ملاحظه زکات از دریچه فردی و اجتماعی، دانست. نگرش به زکات از دریچه فقه اجتماعی، موجب می گردد حاکم جامعه اسلامی بتواند از طریق منبع مالی زکات، گام های مهمی را در تحقق عدالت و رفع فقر بردارد و نتیجه این امر نیز منجر به تحقق رفاه عمومی می گردد. پذیرش دیدگاه دوم براساس فقه اجتماعی با فلسفه تشریح زکات نیز هم خوانی دارد؛ زیرا با تأمل در روایات وارده در باب زکات^۲ معلوم می شود، یکی از اهداف شارع در تشریح زکات، تأمین نیاز فقیران و مساکین بوده تادر نتیجه آن، زندگی آنها را دیگران یکسان گردد.

خمس

خمس را باید از جمله کاربست های شارع در تحقق رفاه عمومی دانست. خمس یکی از واجبات مالی است که باید پرداخت آن همراه با قصد قربت باشد. فرد مسلمان در صورت وجود شرایطی که

^۱. جهت مطالعه دلایل دیدگاه های مذکور به مقاله «حکومت و جمع آوری زکات با تأکید بر نظر امام خمینی (ره)» تألیف قدرت الله نیازی و علی زبرجدی مشفق رجوع کنید.

^۲. رَوَى مُبَارَكُ الْعَقْرَقُوفِيُّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّمَا وَضِعَتِ الزَّكَاةُ قَوْلًا لِلْفَقْرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِأَمْوَالِهِمْ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴)

طرفداران دیدگاه دوم به فقه اجتماعی و جایگاه حکومت اسلامی در رفع فقر و تحقق عدالت توجه داشته‌اند. براین اساس و در راستای اهداف عالی شرع اسلام که به قول امام خمینی (ره) یکی از اهداف شرع اسلام، تحقق رفاه است، خمس را باید حقیقربوط به مقام و منصب امامت دانست. به عبارت دیگر، خمس بودجه‌ای است حکومتی که باید در اختیار حاکم اسلام گذاشته شود تا آن را در راستای محرومیت زدایی و تحقق رفاه عمومی، به مصرف برساند.

صدقه

صدقه از جمله احکام مستحب در شرع اسلام است که می‌تواند نقش مهمی در تحقق رفاه عمومی داشته باشد. در حقوق اسلام، صدقه به عنوان یک هم‌یاری اجتماعی است که توسط مؤمنین و تک تک افراد جامعه اسلامی، انجام می‌پذیرد و هر کس باید به اندازه وسع و توان خود، متکفل تامین نیازهای ضروری سایرین بشود و در حق آنها نیکی و همدردی کند. امام علی (علیه السلام) در اهمیت صدقه می‌فرماید: «سنگین کنید ترازوهای خود را با صدقه دادن»^۱ (۲۰).

آن گونه که از منابع اسلامی فهمیده می‌شود، رفع فقر و محرومیت و در نتیجه تحقق عدالت اجتماعی، فلسفه و حکمت پرداخت صدقه است. صدقه در روایات به عنوان کامل کننده زکات (صدقه واجب) معرفی شده است. در حقیقت شارع حکیم در کنار واجب نمودن زکات و خمس، صدقه مستحب را تشریح نموده است تا سطح معیشتی مردم به حد مطلوبی رسیده و از فاصله‌های طبقاتی زیاد دوری شود. همین امر موجب رفاه عمومی برای همگان شود.

با رویکردی اجتماعی به صدقه، نقش حکومت اسلامی در مدیریت صدقات، بیشتر نمایان می‌شود. در حقیقت در فقه فردی هر فرد خود عهده دار رساندن صدقات به فقراء است لکن در ساختار فقه اجتماعی، مدیریت جامعه اسلامی، باید با برنامه‌ریزی، تشویق و تسهیل در پرداخت صدقه، رساندن صدقات به فقراء واقعی، عهده‌دار رفع فقر و محرومیت از جامعه شود. ابتکار امام خمینی (ره) در تأسیس کمیته امداد از جمله رویکردهای اجتماعی یک فقیه به یک مسأله شرعی است که می‌توان از یک مسأله شرعی ساده، به نحو کامل و احسن در تحقق رفاه عمومی بهره جست.

وقف

یکی از عقود که می‌تواند نقش فراوانی در محرومیت زدایی و ایجاد رفاه عمومی، داشته باشد، سنت «وقف» است. وقت هر چند در دایره عقود قرار گرفته است، اما از آن می‌توان به عنوان یک عبادت یاد نمود. وقف در لغت به معنای حبس شدن و حبس کردن متوقف شدن و متوقف کردن (۲۱) و در اصطلاح شرعی، عقدی است که به موجب آن، اصل چیزی را حبس و نفع آنرا برای موقوف علیهم آزاد می‌گذارند. منظور از حبس در این تعریف، این است که نقل و انتقال مال موقوفه به هر نوع ممنوع است و منظور از آزاد بودن منفعت موقوفه، یعنی استفاده از منفعت مال موقوفه برای افرادی که وقف به نفع آنان انجام شده است، آزاد می‌شود.

در قرآن کریم آیه‌ای که به صراحت به وقف تصریح کرده باشد وجود ندارد، اما می‌توان به اطلاق آیاتی که بر انفاق و صدقه اشاره کرده‌اند، استناد جست. به عنوان مثال می‌توان به اطلاق آیه ۹۲ سوره آل عمران^۲ استناد نمود؛ زیرا در این آیه خداوند به انفاق تأکید کرده است از سوی دیگر وقف یکی از مصادیق انفاق است. همچنین می‌توان به حدیث نبوی ذیل استناد جست که پیامبر (ص) فرمودند: «هرگاه فرزند آدم بمیرد، عمل او قطع می‌شود مگر از سه چیز: فرزند صالحی که برای او دعا کند و صدقه جاریه و علمی که از آن سود برده شود».

وقف سنت حسنه‌ای است که در اسلام مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است که می‌تواند باعث آثار و برکات فراوانی برای جامعه و ایجاد رفاه عمومی شود. تمدن اسلامی مدیون این سنت نیکو در طول تاریخ اسلام است که ابزاری مهم برای گسترش رفاه عمومی است.

وقف نیز با دو رویکردی فردی و اجتماعی قابل بررسی است. لکن باید گفت با تشکیل حکومت اسلامی نباید تنها وقف را از دریچه تکلیف فردی دید، بلکه ساماندهی موقوفات، نیازمند مدیریت موقوفات توسط حکومت اسلامی است. با توجه به گستردگی وقف و امکان وقف در حوزه‌های مختلف از قبیل امور فرهنگی، همانند ساخت مسجد، مدارس، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، و یا امور بهداشتی همانند ساخت بیمارستان‌ها و یا امور خیریه از قبیل ساخت آسایش‌گاه‌ها و بسیاری از حوزه‌های دیگر، در راستای مدیریت موقوفات، حکومت اسلامی باید سازمانی در این خصوص تأسیس نماید. همین نوع نگرش است که موجب تأسیس سازمان اوقاف و امور خیریه گردید. این رفتار نشان از نگرش اجتماعی به یک مسأله فقهی است.

براین اساس حکومت اسلامی می‌تواند با تشویق و ترویج فرهنگ وقف، مدیریت صحیح موقوفات، و استفاده از آن‌ها، در رفع محرومیت و تحقق رفاه عمومی گام بردارد.

قرض الحسنه

قرض الحسنه یکی از ابزارهای مالی مستحب در شرع اسلام است که در راستای تحقق عدالت توزیعی، کاهش فاصله‌های طبقاتی و ایجاد رفاه عمومی می‌توان از آن بهره جست. در منابع اسلامی، قرض الحسنه دارای اجر و پاداش فراوانی است به گونه‌ای که خداوند متعال بارها در قرآن کریم قرض دادن به بندگان خود را در حکم قرض دادن به خود محسوب نموده است به عنوان نمونه خداوند متعال در آیه ۲۴۵ سوره بقره می‌فرماید: «کیست که به خدا قرض نیکو دهد، تا خدا بر آن چندین برابر بیفزاید»^۳.

در منابع دینی قرض الحسنه دارای فضیلت و اجر بیشتری نسبت به صدقه می‌باشد به عنوان مثال امام صادق می‌فرماید: «بر در بهشت نوشته شده است: پاداش صدقه ده برابر و پاداش قرض هجده برابر است. پاداش قرض به این دلیل از پاداش صدقه بیشتر است که قرض

^۲ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فُضِّلَتْ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً

^۱ «تَقَلُّوا مَوَازِينَكُمْ بِالصَّدَقَةِ»

^۳ «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»

است: «برقراری رابطه خویشاوندی و حسن همجواری، آبادانی سرزمین‌ها را به دنبال داشته و موجب طول عمر می‌شوند»^۱ در حقیقت شرع اسلام با الزامی نمودن نفقه اقارب، قسمتی از بار تحقق عدالت و رفاه عمومی را بر عهده خویشاوندان قرار داده است؛ زیرا علاوه بر اینکه افراد در مقابل خویشان خود تکلیف دارند، ضرورت‌تکمک به فقر و حمایت از خانواده‌های آسیب دیده، با این کاربست کاسته می‌شود. امروزه باید سنت‌های اخلاقی رادر خانواده‌ها تقویت نمود؛ زیرا در دورنمای آینده نیز هیچ‌گاه دولت نمی‌تواند نقش سرپرستی اجتماعی را بدون کمک خواستن از بنیادهای خانوادگی به خوبی ایفا کند. براین اساس با تقویت این حکم شرعی، می‌توان گامی مهمی در رفع فقر و تحقق رفاه عمومی برداشت.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر این بود تا رفاه عمومی را به عنوان یکی از اهداف عالی اسلام و یکی از علل تشریح احکام خصوصا احکام عبادی مالی و عقود مبتنی بر عبادت، مورد بررسی قرار دهد تا ضمن تبیین ابعاد آن، گامی در تحقق اهداف عالی اسلام برداشته شود. براین اساس نتایج ذیل حاصل گردید:

- رفاه عمومی که به معنای بهره‌مندی پیوسته، متعارف و در حد اعتدال مردم از مواهب و نعمت‌های الهی به صورت مشروع و معقول است، یکی از مقاصد فقه اسلام است، همین امر موجب توجه مستقیم و غیر مستقیم فقها به مفهوم رفاه عمومی گردیده است.

- واری‌های رفاه عمومی در شرع اسلام نشان از آن دارد که در کنار رفاه مادی، رفاه معنوی نیز مدنظر قرار گرفته به گونه‌ای که هر دو بعد جسمی و روحی انسان را در بر می‌گیرد.

- حد معقول و مطلوب از برخورداری رفاه عمومی زمانی است که از اسراف و تبذیر جلوگیری شده و همه امت مسلمان از آن بهره‌مند گردند.

- براساس سیاست‌گذاری‌های فضیلت‌گرایانه و فقه الاولویه، با توجه به فلسفه تشریح احکام و مقاصد الشریعه، رفاه عمومی در شرع اسلام در قالب مفاهیمی چون عدل، یاری رساندن به نیازمندان، محرومین و مستمندان و تامین امنیت و آزادی آن‌ها متبلور شده و به عنوان یکی از فضیلت‌ها و اولویت‌های شرع، مطرح می‌گردد.

- با تأملی در احکام شرع اسلام، احکام متعددی می‌توان در راستای تحقق رفاه عمومی تشریح شده‌اند. کاربست‌های شرع اسلام در تحقق رفاه عمومی، گاهی در قالب احکام الزامی همانند خمس، زکات و نفقه جلوه می‌کند، گاهی در قالب احکام مستحب و ترجیحی همانند وقف، قرض الحسنه و صدقه نمایان می‌شوند. نگرش اجتماعی به احکام مذکور، موجب می‌گردد حاکم جامعه اسلامی بتواند با مدیریت زکات، خمس، وقف، صدقات، قرض الحسنه گام‌های مهمی را در تحقق عدالت و رفع فقر بردارد و نتیجه این امر نیز منجر به تحقق رفاه عمومی می‌گردد.

گیرنده جز از سر نیاز قرض نمی‌گیرد، ولی صدقه گیرنده گاهی با اینکه نیاز ندارد، صدقه می‌گیرد».

قرض الحسنه از نظر فقهی عقدی است که براساس آن مالی به دیگری تملیک شود؛ بهطوری که او نیز ضامن بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن شود.

از مجموع ادله فقهی بر می‌آید که شارع حکیم، قرض الحسنه را در جهت رفع محرومیت و فقرزدایی، تشریح نموده است. در حقیقت شارع حکیم با نگاه جامع خود تمام جوانب امر در فقرزدایی را دیده است؛ زیرا چه بسیار زمان‌ها اتفاق می‌افتد که افرادی در عین حال نیازمند کمک هستند اما شأن خود را اجل از دریافت صدقه می‌دانند و یا صرف صدقه کفاف رفع مشکل آنها را ندارد. و از طرفی افرادی هستند که توان پرداخت صدقات زیاد را ندارند اما می‌توانند برای مدت زمان مشخصی اموال خود را به صورت رایگان در اختیار دیگران قرار دهند. بنابراین شارع حکیم سنت قرض الحسنه را تشریح نموده تا این بخش از نیازها را تأمین نماید. لکن این امر نیز از دوبره فردی و اجتماعی قابل بررسی است. امروزه با تشکیل حکومت اسلامی، می‌توان از عقد قرض الحسنه استفاده بهینه نمود و از آن به نحو احسن در ایجاد رفاه عمومی بهره جست. هر چند حکومت اسلامی از طریق بانک‌داری اسلامی تا حدی تلاش نموده است از این تدبیر شرع اسلام بهره جوید لکن همچنان این امر نیازمند دقت و بررسی بیشتر است. تدابیر حکومت اسلامی در بهره جستن از سنت قرض الحسنه در راه اندازی کسب و کارهای جدید، ایجاد شغل و مسکن و ازدواج، می‌تواند دارای تنوع بیشتری باشد تا بتوان از طریق آن گامی جدی برای تحقق رفاه عمومی برداشت.

نفقه

نفقه در لغت به معنای هزینه، خرج روزمره و خرجی، و در اصطلاح فقهی عبارت است از آنچه که زن به آن نیاز دارد از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، خادم. قانون‌گذار ایران نیز در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض» و در ماده ۱۲۰۴ در خصوص نفقه اقارب مقرر می‌دارد: «نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق». با توجه به تعریف‌های فوق، باید گفت نفقه عبارت است از همه آنچه که یک شخص در زندگی به طور متعارف به آن نیازمند است.

نفقه پدر و مادر در صورت فقر و تمکن فرزندان بر عهده آن‌ها و در غیاب آنان بر نوه‌ها و نتیجه‌ها واجب است. در صورت انجام این تکلیف، بخش بزرگی از افرادی که آسیب پذیرند یا در معرض فقر قرار دارند از جمعیت فقرا خارج و به زندگی در حد کفاف می‌رسند. با توجه به این تحلیل، روایت امام صادق (ع) به خوبی قابل تفسیر

۱. عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْحَكَمِ الْخَنَّاطِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع صَلَوةُ الرَّحْمِ وَ حَسَنُ الْجَوَارِ يُعْمَرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ.

12. Makarem Shirazi, Nasser, 1374, Tafsir Nushon, Dar Kitub Al-Islamiya, Tehran, 32nd edition
 13. Ahsai, Muhammad bin Ali bin Ibrahim bin Abi Jumur, 1405 A.H., Awali al-Leali al-Azizia fi al-Ahadith al-Diniyah, Dar Seyyed al-Shuhada Llanshar, Qom.
 14. Totunchian, Iraj, Application of the theory of economic justice in the Islamic system, Journal of Economic Research, No. 57, 1379.
 15. Arabi, Seyedhadi, comparative study of the theories of welfare and welfare, Quarterly Journal of Economic Studies, year 8, number 15, 2019.
 16. Mousavi Khomeini, Seyyed Rooh Allah, 1421 A.H., Kitab al-Bai, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA), Tehran.
 17. Ibn Idris Halli, Muhammad bin Mansour bin Ahmad, 1410 A.H., Al-Saraer al-Hawi for Tahrir al-Fatawi, Islamic Publications Office affiliated with the seminary teachers community, Qom, second edition.
 18. Ibn Baraj, Abd al-Aziz, 1406 AH, Al-Muhadzb, Al-Islami Publication Institute, Qom.
 19. Ansari, Morteza bin Muhammad Amin, 1415 A.H., Al-Zakah Book, World Congress of Commemoration of Sheikh Azam Ansari, Qom.
 20. Tamimi Amadi, Abd al-Wahed bin Muhammad, 1410 AH, Gharar al-Hakam and Darr al-Kalam, Dar al-Kitab al-Islami, Qom, second edition.
- Qorshi, Seyyed Ali Akbar, 1412 A.H., Dictionary of the Qur'an, Dar al-Kutub al-Islamiya, Tehran.

References

- The Holy Quran
Nahj al-Balagha
1. Mousavi Djojjin Mirhashem, Zahedi Wafa, Mohammad, presenting and explaining the directional elements of the strategic model of public welfare based on the content analysis of the opinions and thoughts of Imam Khomeini (RA), welfare planning and social development quarterly, year 8, number 32, 2016.
 2. Dekhoda, Ali Akbar, 1377, dictionary, Tehran University Press, Tehran, second edition.
 3. Johari, Ismail bin Hammad, 1410 A.H., Taj al-Lagha and Sahih al-Arabiya, Dar al-Alam for the Muslims, Beirut.
 4. Wasti Zubaydi, Hanafi, 1414 AH, Mohebuddin, Taj al-Arus, Dar al-Fakr for printing and distribution, Beirut
 5. Patrick, Tony Fitts, 2013, Theory of Welfare, translator: Hormoz Homayunpour, Higher Institute of Social Security Research, Tehran, second edition.
 6. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, Bayta, Tahrir al-Wasila, Imam Khomeini's (RA) Writing and Publishing Institute, Tehran.
 7. Biazar Shirazi, Abdul Karim, 1363, Imam Khomeini's New treatise (RA), Nemehr Institute, Tehran.
 8. Qaraiti, Mohsen, 1385, Tafsir Noor, Cultural Center of Lessons from the Qur'an, Bija.
 9. Ayazlou, Hossein, A review of social and economic justice criteria in accordance with the framework of Islamic Shari'a, Bi-Quarterly Journal of Islamic Economics Studies, 2nd year, 2nd issue, 2019.
 10. Javadi Amoli, Abdullah, 1381, Philosophy of Human Rights, Esra Publishing House, third edition.
 11. Tabatabaei, Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 1374, translated by Mohammad Baqir Mousavi, Islamic Publications Office, Qom, fifth edition.